



می ایستیم تا دشمن بنشیند

آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» در مواجهه با جمهوری اسلامی و هر آنچه که بر ایران مربوط است چگونه عمل خواهد کرد؟ آیا همان‌گونه که تلقف فکری نزدیک‌ترین شخصیت‌های اطراف او به مخالفان ایران باز است، آمریکا در سال‌های پیش رو در ارتباط با ایران سستیزه‌پویانه‌تر و «تهاجمی» خواهد بود؟ رامحل ایران در دوره ترامپ چیست؟ ادبیات و سیاست‌های مناسب ایران در این دوره چیست؟ در هفته‌های اخیر به دلیل اهمیت سوالات مذکور، تعداد زیادی از تحلیلگران سیاسی پاسخ‌هایی داده و پیش‌بینی‌هایی کرده‌اند. این پاسخ‌ها نوعاًپیش از آنکه بر خاسته از تحلیل وروانشناسی ترامپ و تیم او یا بر خاسته از تحلیل جامعه‌شناسی آمریکا باشد – که درست هم این است که خاستگاه تحلیل وضعیت و پاسخ به سوالات فوق وروانشناسی فردی ترامپ و جامعه‌شناسی آمریکا و یا ترکیبی از این دو باشدند - بر خاسته از طبقه فکری و گرایش سیاسی تحلیلگر بوده است.

در این میان کسانی که معتقد به درستی خط و مشی حضرت امام و رهبر معظم انقلاب هستند، تداوم مقاومت در برابر آمریکا را توصیه کرده و جمع‌بندی‌شان این است که دونالد ترامپ علیه‌رم خشم شدیدی که از ایران ابراز می‌کند، در عمل قادر به مفاضاعی - به نسبتست آنچه در دوره اواما یا بوش شاهد بوده‌ایم - نخواهد بود. این دسته البته معتقدند نشان دادن عزم ایران بر استقلال‌گویی برای آنکه دو مقابل هوس اقدام نظامی و امنیتی ضدایران بشکند، ضرورت دارد.

در مقابل این طیف و نظریه آنان، کسانی که نوعاًاز منظر اصلاح‌طلبی یا اعتدال‌گرایي - بنا به آنچه گروهی به این یا آن صفت خوانده می‌شوند- به تجزیه و تحلیل سخنان و رفتارهای ترامپ و افراد حلقه اول او می‌پردازند اولاً شرایط را برای ایران حساس یا خطرناک ارزیابی می‌کنند و ثانیاً توصیه‌شان این است که باید از هرگونه سخن یا اقدامی که نشان‌دهنده مخالفت ایران با ترامپ و سیاست‌های آن است، جدا خودداری شود. برای ایسین صفت روی کار آمدن جمهوری خواهان و این خصوصاً ترامپ به معنای بسته صدا درآمنن رنگ خطر درگیری علیه ایران است.اگر به صفحت روزنامه‌های دو جریان موسوم به اصلاح‌طلب و اعتدالی سر بزیم، شاهد درج هر روزه یادداشت‌ها و توصیه نامه‌هایی از این دست هستیم. در این میان شاید اولین یادداشت از این نوع را «حسین موسویان» عضو تیم مذاکرات استراتژی ایران در دوره ریاست آقا روحانی بر شورای عالی امنیت ملی کشور نوشت.

در عین حال جدای از مواضعی که طیف‌های مختلف سیاسی ایران در مورد ترامپ دارند، روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا در حد زیادی به یک سنخ شدن مواضع بخش‌های درون حکومتی ایران گردیده است چرا که طیف‌های سیاسی درون حکومتی ایران اعم از انقلابیون و عملگراها در مورد اینکه سیاست‌های آمریکا ترامپ در مورد ایران قطعاً دشمنانه خواهد بود تردید ندارند. در واقع در ایران، هیچکس از روی کار آمدن ترامپ استقبال نکرده است چرا که عده‌ای علی‌الاصول با سیاست آمریکا درباره ایران چه با جمهوری‌خواهان و چه با دموکرات‌ها مشکل دارند و آن را خصمانه ارزیابی می‌کنند و عده‌ای هم که چشم به روی کار آمدن فردی غیر از ترامپ دوخته بودند، در آرزو دشمن ایران ارزیابی می‌نمایند. در واقع با روی کار آمدن ترامپ، دوگانه‌های ضدایرانی که ذیل عنوان موافقان و مخالفان دولت آمریکا با ذیل عنوان دوگانه امنیت-عبیثت در دوره اواما و با هدف روشنفق و فشل کردن جامعه و حکومت ایران طراحی و دنبال می‌شد، کنار رفت و حالا دیگر کسی نمی‌تواند با بز برقراری رابطه با آمریکا به امید جمع‌آوری آراء آکاسترزی بنشیند. یگانه‌سازی مواضع جامعه و حکومت نسبت به آمریکا و سیاست‌های آن یکی از الطاف الهی است که بار آن عمدتاً بر دوش دشمنان گذشته‌اش دست است.

اما جدای از این تحلیل، روی کار آمدن ترامپ و سیاست‌های رنگین‌کمانی او ممکن استدر دو موقعیت جغرافیایی و عملیاتی ایران، شرایط بالنسبه تازه‌ای را پدید آورد. سوریه و امنیت دریایی ایران.

سوریه به طول دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، اصلی‌ترین درخفته به حساب می‌آمد. اگر به دفاعاتی که واژه «سوریه» از زبان سخنگویان و مسئولان سیاسی و امنیتی نظامی آمریکا شنیده شد، نظر انداخته و آن را با وزگان دیگر مقایسه کنیم، نمایم درمی‌یابیم که سوریه اولین و متداوم‌ترین درخفته مقامات آمریکا بوده است. دوره اواما با وعده تغییر اسد سپری شد اما موقعیت دولت سوریه در پایان دوره اواما نه تنها ضعیف تر نشد بلکه به گوهی به نام نئوسنت عملیات بزرگ نصر و آزادی حلب در هفته‌های پایانی دوره اواما، تمام تر هم شد. در این دوره علاوه بر آنکه آمریکا و وابستگان منطقه‌ای آن نظیر ترکیه و عربستان و نیز گروه‌های تروریستی وابسته به ایالات متحده از جوان در پرورنده امنیتی سوریه بازماندند بلکه پرورنده پرطمطراق سیاسی را نیز از دست دادند. مذاکرات سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه در مسکو- در آخرین هفته ریاست جمهوری اواما- و تکرار آن در آستانه به خوبی نشان داد که آمریکا تا حد چه از اثر گذاری بر مهم‌ترین پرورنده امنیتی منطقه نمی‌صیبت است. این موضوع در جریان مباحثات انتخابی میان دو حزب اصلی ایران شاهد شکست سیاست مداخلات آمریکا در لبنان گردید. ترامپ در این میان ضمن حمله به سیاست خارجی دولت اواما درباره سوریه، اعلام کرد که سیاست آمریکا را با هدف اقتداربخشی به حکومت این کشور بازسازی و اعتباربخشی خواهد کرد. هم‌اکنون رابطه بین دو حکومت که نگاه می‌کنند جنج حفاتر آمریکا مشاهده نمی‌کند. طبعاً در این میان اولین چیزی که به ذهن او متبادر می‌شود، «تغییر وضعیت و شرایط» می‌باشد. رفتارهای این روزهای ترامپ و تیم او به ما می‌گوید، آمریکا طی هفته‌های آینده و در یک برنامه زمام‌پزندی شده ممکن است دست به اقداماتی در سوریه بزند. اگر این برداشت درست باشد چیزی که بتواند شرایط را برای آمریکا تغییر دهد، عملیات در منطقه‌ای است که ارزش استراتژیکی از آنجا دارد و در صورت موفقیت‌های ویژه‌ای نظیر ترکیه به شمال تا شمال دمشق قرار دارد و دارای موقعیت‌های ویژه‌ای نظیر نزدیک به پایتخت، نزدیکی به لبنان و موقعیت سرزمینی حزب‌الله و نزدیکی به حرمه‌ای نیز سوریه در مدیترانه، نیز درگیری درون اوستان حساس حصص و جهان و این منطقه- یعنی حدفاصل میهن جاده‌های مواصلاتی خواهد بود. بحث اعظم این منطقه- یعنی حدفاصل جنوب ادلب تا شمال دمشق- به سيطرة دولت مرکزی و مؤلفین آن می‌باشد. به نظر می‌آید در آمریکا گمان‌زینی ترامپ به این است که با کمک گرفتن از نیروی هوایی خود و با کمک سیستم اطلاعاتی نظامی ارتش ترکیه به این منطقه قادر خواهد بود به نیروهای ار تش که ضمناً بخش زیادی از آن سرگرم محافظت از شهر بزرگ تازه آزاد شده سوریه یعنی حلب هست، غلبه کند.

وقتی ما اظهارات مقامات مختلف ارتش آمریکا را مرور می‌نماییم به این نتیجه می‌رسیم که ارتش آمریکا با چنین اقدامی موفق نیست و آن را شدنی نمی‌داند. از جمله استدلال‌های ارتش آمریکاین است که تکیه بر نیروی هوایی در جنگ‌های کلاسیک کارگشااست و در جنگ‌های پارتیزانی جایگاهی ندارد ضمن آنکه وقتی ترکیه پس از ماه‌ها تلاش برای سيطرة بر منطقه کوچک «الباب»- واقع در شمال غرب حلب- و رهاسازی آن از سيطرة داعش تاکم باقی مانده است چطور قادر به انجام عملیات در منطقه‌ای بزرگتر و با وجود ایران و حزب‌الله و نیروهای دیگر خواهد بود؟ اما در عین حال از آنجا که ارتش در نهایت از فرمان سیستم جمهوری تبعیت می‌کند عملیاتی شدن یک اقدام از پیش شکست خورده از سوی آمریکا دور از ذهن نخواهد بود.

او مواضع آمریکایی‌ها در مورد مواضع نیروی تدابیری ایران با ناوهای آمریکا، که می‌توانیم حدس بزیم که واشنگتن تا حد چه از تحقیری که طی سالهای گذشته در آب‌های خلیج فارس و حوالی آن با آن مواجهه بوده است، صعبانی است. بر این اساس دست‌نزدن به اقدامی ایلهانه و با دو هدف پایان دادن به تحقیر آمریکا از سوی ایران و تشجیع رژیم سعودی در درگیری با ایران اولی است. آمریکا قطعاً نمی‌خواهد با نیروی بیچنگد چون مهم‌ترین نتیجه چنین جنگی وداع همیشگی نظامیان آمریکا با منطقه خواهد بود. تجربه ملت‌ها می‌گوید برای در امان ماندن از شراشرتهای شیطان نظیر آمریکا تنها یک راه وجود دارد «ایستادن» و نادانده‌ای نیست هرگز به معنای جنگ‌طلبی نیست بلکه بهترین استراتژی در دفع جنگ و این می‌باشد. ما یک بار بار شاعر کوتاه کرن دیوار پیش‌انگته‌ای بین ایران و آمریکا، شاهد قرار گرفتن ارتش در فهرست «محور شرارت» و دویم و یک بار دیگر به نام اعتمادسازی شاهد تکرار این خبر رسمی آن هستیم.

سعدالله زارعی

تنها چند روز پس از نلافظی

ترامــپ مبنی بر اینکه «هیچ گزینــه‌ای علیــه ایران از میز خارج نیست» وی تصریح کرد که ایران بســه آمریکا اعتنایــی نــمی‌کند.

دونالد ترامــپ رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز با اشاره به حوادث سال گذشته در خلیج فارس گفت: کشتی‌های جنگی ایالات متحده در خلیج فارس از سوی قایق‌های نظامی ایران احاطه شده و مورد آذیت و آزار قرار گرفته‌اند، آنها جسورتر شده‌اند.

ترامپ افزود که کاملاً با برجام مخالف نیست اما مدعی شد که این توافق کامل اجرا نشده است. مجری پرسید آیا این احتمال وجود دارد که شما توافق هسته‌ای را پاره کنید؟ ترامپ در اظهاراتی دستاخنده درباره کشورمان گفت: ما در عمل قادر به مفاضاعی - به نسبتست آنچه در دوره اواما یا بوش شاهد بوده‌ایم - نخواهد بود. این دسته البته معتقدند نشان دادن عزم ایران بر استقلال‌گویی برای آنکه دو مقابل هوس اقدام نظامی و امنیتی ضدایران بشکند، ضرورت دارد. در مقابل این طیف و نظریه آنان، کسانی که نوعاًاز منظر اصلاح‌طلبی یا اعتدال‌گرایي - بنا به آنچه گروهی به این یا آن صفت خوانده می‌شوند- به تجزیه و تحلیل سخنان و رفتارهای ترامپ و افراد حلقه اول او می‌پردازند اولاً شرایط را برای ایران حساس یا خطرناک ارزیابی می‌کنند و ثانیاً توصیه‌شان این است که باید از هرگونه سخن یا اقدامی که نشان‌دهنده مخالفت ایران با ترامپ و سیاست‌های آن است، جدا خودداری شود. برای ایسین صفت روی کار آمدن جمهوری خواهان و این خصوصاً ترامپ به معنای بسته صدا درآمنن رنگ خطر درگیری علیه ایران است.اگر به صفحت روزنامه‌های دو جریان موسوم به اصلاح‌طلب و اعتدالی سر بزیم، شاهد درج هر روزه یادداشت‌ها و توصیه نامه‌هایی از این دست هستیم. در این میان شاید اولین یادداشت از این نوع را «حسین موسویان» عضو تیم مذاکرات استراتژی ایران در دوره ریاست آقا روحانی بر شورای عالی امنیت ملی کشور نوشت.

در عین حال جدای از مواضعی که طیف‌های مختلف سیاسی ایران در مورد ترامپ دارند، روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا در حد زیادی به یک سنخ شدن مواضع بخش‌های درون حکومتی ایران گردیده است چرا که طیف‌های سیاسی درون حکومتی ایران اعم از انقلابیون و عملگراها در مورد اینکه سیاست‌های آمریکا ترامپ در مورد ایران قطعاً دشمنانه خواهد داد یا نه، گفت: باید ببینیم که چه اتفاقی خواهد افتاد؛ ما هرگز در ایران، هیچکس از روی کار آمدن ترامپ استقبال نکرده است چرا که عده‌ای علی‌الاصول با سیاست آمریکا درباره ایران چه با جمهوری‌خواهان و چه با دموکرات‌ها مشکل دارند و آن را خصمانه ارزیابی می‌کنند و عده‌ای هم که چشم به روی کار آمدن فردی غیر از ترامپ دوخته بودند، در آرزو دشمن ایران ارزیابی می‌نمایند. در واقع با روی کار آمدن ترامپ، دوگانه‌های ضدایرانی که ذیل عنوان موافقان و مخالفان دولت آمریکا با ذیل عنوان دوگانه امنیت-عبیثت در دوره اواما و با هدف روشنفق و فشل کردن جامعه و حکومت ایران طراحی و دنبال می‌شد، کنار رفت و حالا دیگر کسی نمی‌تواند با بز برقراری رابطه با آمریکا به امید جمع‌آوری آراء آکاسترزی بنشیند. یگانه‌سازی مواضع جامعه و حکومت نسبت به آمریکا و سیاست‌های آن یکی از الطاف الهی است که بار آن عمدتاً بر دوش دشمنان گذشته‌اش دست است.

اما جدای از این تحلیل، روی کار آمدن ترامپ و سیاست‌های رنگین‌کمانی او ممکن استدر دو موقعیت جغرافیایی و عملیاتی ایران، شرایط بالنسبه تازه‌ای را پدید آورد. سوریه و امنیت دریایی ایران.

سوریه به طول دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، اصلی‌ترین درخفته به حساب می‌آمد. اگر به دفاعاتی که واژه «سوریه» از زبان سخنگویان و مسئولان سیاسی و امنیتی نظامی آمریکا شنیده شد، نظر انداخته و آن را با وزگان دیگر مقایسه کنیم، نمایم درمی‌یابیم که سوریه اولین و متداوم‌ترین درخفته مقامات آمریکا بوده است. دوره اواما با وعده تغییر اسد سپری شد اما موقعیت دولت سوریه در پایان دوره اواما نه تنها ضعیف تر نشد بلکه به گوهی به نام نئوسنت عملیات بزرگ نصر و آزادی حلب در هفته‌های پایانی دوره اواما، تمام تر هم شد. در این دوره علاوه بر آنکه آمریکا و وابستگان منطقه‌ای آن نظیر ترکیه و عربستان و نیز گروه‌های تروریستی وابسته به ایالات متحده از جوان در پرورنده امنیتی سوریه بازماندند بلکه پرورنده پرطمطراق سیاسی را نیز از دست دادند. مذاکرات سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه در مسکو- در آخرین هفته ریاست جمهوری اواما- و تکرار آن در آستانه به خوبی نشان داد که آمریکا تا حد چه از اثر گذاری بر مهم‌ترین پرورنده امنیتی منطقه نمی‌صیبت است. این موضوع در جریان مباحثات انتخابی میان دو حزب اصلی ایران شاهد شکست سیاست مداخلات آمریکا در لبنان گردید. ترامپ در این میان ضمن حمله به سیاست خارجی دولت اواما درباره سوریه، اعلام کرد که سیاست آمریکا را با هدف اقتداربخشی به حکومت این کشور بازسازی و اعتباربخشی خواهد کرد. هم‌اکنون رابطه بین دو حکومت که نگاه می‌کنند جنج حفاتر آمریکا مشاهده نمی‌کند. طبعاً در این میان اولین چیزی که به ذهن او متبادر می‌شود، «تغییر وضعیت و شرایط» می‌باشد. رفتارهای این روزهای ترامپ و تیم او به ما می‌گوید، آمریکا طی هفته‌های آینده و در یک برنامه زمام‌پزندی شده ممکن است دست به اقداماتی در سوریه بزند. اگر این برداشت درست باشد چیزی که بتواند شرایط را برای آمریکا تغییر دهد، عملیات در منطقه‌ای است که ارزش استراتژیکی از آنجا دارد و در صورت موفقیت‌های ویژه‌ای نظیر ترکیه به شمال تا شمال دمشق قرار دارد و دارای موقعیت‌های ویژه‌ای نظیر نزدیک به پایتخت، نزدیکی به لبنان و موقعیت سرزمینی حزب‌الله و نزدیکی به حرمه‌ای نیز سوریه در مدیترانه، نیز درگیری درون اوستان حساس حصص و جهان و این منطقه- یعنی حدفاصل میهن جاده‌های مواصلاتی خواهد بود. بحث اعظم این منطقه- یعنی حدفاصل جنوب ادلب تا شمال دمشق- به سيطرة دولت مرکزی و مؤلفین آن می‌باشد. به نظر می‌آید در آمریکا گمان‌زینی ترامپ به این است که با کمک گرفتن از نیروی هوایی خود و با کمک سیستم اطلاعاتی نظامی ارتش ترکیه به این منطقه قادر خواهد بود به نیروهای ارتش که ضمناً بخش زیادی از آن سرگرم محافظت از شهر بزرگ تازه آزاد شده سوریه یعنی حلب هست، غلبه کند.

وقتی ما اظهارات مقامات مختلف ارتش آمریکا را مرور می‌نماییم به این نتیجه می‌رسیم که ارتش آمریکا با چنین اقدامی موفق نیست و آن را شدنی نمی‌داند. از جمله استدلال‌های ارتش آمریکاین است که تکیه بر نیروی هوایی در جنگ‌های کلاسیک کارگشااست و در جنگ‌های پارتیزانی جایگاهی ندارد ضمن آنکه وقتی ترکیه پس از ماه‌ها تلاش برای سيطرة بر منطقه کوچک «الباب»- واقع در شمال غرب حلب- و رهاسازی آن از سيطرة داعش تاکم باقی مانده است چطور قادر به انجام عملیات در منطقه‌ای بزرگتر و با وجود ایران و حزب‌الله و نیروهای دیگر خواهد بود؟ اما در عین حال از آنجا که ارتش در نهایت از فرمان سیستم جمهوری تبعیت می‌کند عملیاتی شدن یک اقدام از پیش شکست خورده از سوی آمریکا دور از ذهن نخواهد بود.

او مواضع آمریکایی‌ها در مورد مواضع نیروی تدابیری ایران با ناوهای آمریکا، که می‌توانیم حدس بزیم که واشنگتن تا حد چه از تحقیری که طی سالهای گذشته در آب‌های خلیج فارس و حوالی آن با آن مواجهه بوده است، صعبانی است. بر این اساس دست‌نزدن به اقدامی ایلهانه و با دو هدف پایان دادن به تحقیر آمریکا از سوی ایران و تشجیع رژیم سعودی در درگیری با ایران اولی است. آمریکا قطعاً نمی‌خواهد با نیروی بیچنگد چون مهم‌ترین نتیجه چنین جنگی وداع همیشگی نظامیان آمریکا با منطقه خواهد بود. تجربه ملت‌ها می‌گوید برای در امان ماندن از شراشرتهای شیطان نظیر آمریکا تنها یک راه وجود دارد «ایستادن» و نادانده‌ای نیست هرگز به معنای جنگ‌طلبی نیست بلکه بهترین استراتژی در دفع جنگ و این می‌باشد. ما یک بار بار شاعر کوتاه کرن دیوار پیش‌انگته‌ای بین ایران و آمریکا، شاهد قرار گرفتن ارتش در فهرست «محور شرارت» و دویم و یک بار دیگر به نام اعتمادسازی شاهد تکرار این خبر رسمی آن هستیم.

تنها چند روز پس از نلافظی ترامــپ مبنی بر اینکه «هیچ گزینــه‌ای علیــه ایران از میز خارج نیست» وی تصریح کرد که ایران بســه آمریکا اعتنایــی نــمی‌کند.
دونالد ترامــپ رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز با اشاره به حوادث سال گذشته در خلیج فارس گفت: کشتی‌های جنگی ایالات متحده در خلیج فارس از سوی قایق‌های نظامی ایران احاطه شده و مورد آذیت و آزار قرار گرفته‌اند، آنها جسورتر شده‌اند.

ترامپ افزود که کاملاً با برجام مخالف نیست اما مدعی شد که این توافق کامل اجرا نشده است. مجری پرسید آیا این احتمال وجود دارد که شما توافق هسته‌ای را پاره کنید؟ ترامپ در اظهاراتی دستاخنده درباره کشورمان گفت: ما در عمل قادر به مفاضاعی - به نسبتست آنچه در دوره اواما یا بوش شاهد بوده‌ایم - نخواهد بود. این دسته البته معتقدند نشان دادن عزم ایران بر استقلال‌گویی برای آنکه دو مقابل هوس اقدام نظامی و امنیتی ضدایران بشکند، ضرورت دارد. در مقابل این طیف و نظریه آنان، کسانی که نوعاًاز منظر اصلاح‌طلبی یا اعتدال‌گرایي - بنا به آنچه گروهی به این یا آن صفت خوانده می‌شوند- به تجزیه و تحلیل سخنان و رفتارهای ترامپ و افراد حلقه اول او می‌پردازند اولاً شرایط را برای ایران حساس یا خطرناک ارزیابی می‌کنند و ثانیاً توصیه‌شان این است که باید از هرگونه سخن یا اقدامی که نشان‌دهنده مخالفت ایران با ترامپ و سیاست‌های آن است، جدا خودداری شود. برای ایسین صفت روی کار آمدن جمهوری خواهان و این خصوصاً ترامپ به معنای بسته صدا درآمنن رنگ خطر درگیری علیه ایران است.اگر به صفحت روزنامه‌های دو جریان موسوم به اصلاح‌طلب و اعتدالی سر بزیم، شاهد درج هر روزه یادداشت‌ها و توصیه نامه‌هایی از این دست هستیم. در این میان شاید اولین یادداشت از این نوع را «حسین موسویان» عضو تیم مذاکرات استراتژی ایران در دوره ریاست آقا روحانی بر شورای عالی امنیت ملی کشور نوشت.

اخبار کشور

ترامپ: ایران به آمریکا بی‌اعتنایی می‌کند

به ما احترام نمی‌گذاردن.

ترامپ درباره تحريم‌های جديد نيز گفت که تازه آغاز شده(اول راه) است.

وی افزود: یکی از انتقادهای همیشگی‌ام از باراک اوباما این بود که با قطعیت در مقابل ایران نایستاده است.

رئیس‌جمهور آمریکا در عین حال از اعلام اقدامات نظامی احتمالی کنشورش علیه ایران سرراز زد و گفت که اعتقاد ما این است که دربرای اقدامات نظامی پیش از انجام هرگز صحبت نکنیم.

ایران اکنون قوی‌تر از ۴۰ سال گذشته است

روزنامه واشنگتن پست در گزارشی نوشت: دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید که علیه ایران فشار بیابورد اما ایران اکنون قوی‌تر از هر زمان دیگر است.
رئیس‌جمهور آمریکا در عین حال از اعلام اقدامات نظامی احتمالی کنشورش علیه ایران سرراز زد و گفت که اعتقاد ما این است که دربرای اقدامات نظامی پیش از انجام هرگز صحبت نکنیم.

ترامپ افزود که کاملاً با برجام مخالف نیست اما مدعی شد که این توافق کامل اجرا نشده است. مجری پرسید آیا این احتمال وجود دارد که شما توافق هسته‌ای را پاره کنید؟ ترامپ در اظهاراتی دستاخنده درباره کشورمان گفت: ما در عمل قادر به مفاضاعی - به نسبتست آنچه در دوره اواما یا بوش شاهد بوده‌ایم - نخواهد بود. این دسته البته معتقدند نشان دادن عزم ایران بر استقلال‌گویی برای آنکه دو مقابل هوس اقدام نظامی و امنیتی ضدایران بشکند، ضرورت دارد. در مقابل این طیف و نظریه آنان، کسانی که نوعاًاز منظر اصلاح‌طلبی یا اعتدال‌گرایي - بنا به آنچه گروهی به این یا آن صفت خوانده می‌شوند- به تجزیه و تحلیل سخنان و رفتارهای ترامپ و افراد حلقه اول او می‌پردازند اولاً شرایط را برای ایران حساس یا خطرناک ارزیابی می‌کنند و ثانیاً توصیه‌شان این است که باید از هرگونه سخن یا اقدامی که نشان‌دهنده مخالفت ایران با ترامپ و سیاست‌های آن است، جدا خودداری شود. برای ایسین صفت روی کار آمدن جمهوری خواهان و این خصوصاً ترامپ به معنای بسته صدا درآمنن رنگ خطر درگیری علیه ایران است.اگر به صفحت روزنامه‌های دو جریان موسوم به اصلاح‌طلب و اعتدالی سر بزیم، شاهد درج هر روزه یادداشت‌ها و توصیه نامه‌هایی از این دست هستیم. در این میان شاید اولین یادداشت از این نوع را «حسین موسویان» عضو تیم مذاکرات استراتژی ایران در دوره ریاست آقا روحانی بر شورای عالی امنیت ملی کشور نوشت.

در عین حال جدای از مواضعی که طیف‌های مختلف سیاسی ایران در مورد ترامپ دارند، روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا در حد زیادی به یک سنخ شدن مواضع بخش‌های درون حکومتی ایران گردیده است چرا که طیف‌های سیاسی درون حکومتی ایران اعم از انقلابیون و عملگراها در مورد اینکه سیاست‌های آمریکا ترامپ در مورد ایران قطعاً دشمنانه خواهد داد یا نه، گفت: باید ببینیم که چه اتفاقی خواهد افتاد؛ ما هرگز در ایران، هیچکس از روی کار آمدن ترامپ استقبال نکرده است چرا که عده‌ای علی‌الاصول با سیاست آمریکا درباره ایران چه با جمهوری‌خواهان و چه با دموکرات‌ها مشکل دارند و آن را خصمانه ارزیابی می‌کنند و عده‌ای هم که چشم به روی کار آمدن فردی غیر از ترامپ دوخته بودند، در آرزو دشمن ایران ارزیابی می‌نمایند. در واقع با روی کار آمدن ترامپ، دوگانه‌های ضدایرانی که ذیل عنوان موافقان و مخالفان دولت آمریکا با ذیل عنوان دوگانه امنیت-عبیثت در دوره اواما و با هدف روشنفق و فشل کردن جامعه و حکومت ایران طراحی و دنبال می‌شد، کنار رفت و حالا دیگر کسی نمی‌تواند با بز برقراری رابطه با آمریکا به امید جمع‌آوری آراء آکاسترزی بنشیند. یگانه‌سازی مواضع جامعه و حکومت نسبت به آمریکا و سیاست‌های آن یکی از الطاف الهی است که بار آن عمدتاً بر دوش دشمنان گذشته‌اش دست است.

در عین حال جدای از مواضعی که طیف‌های مختلف سیاسی ایران در مورد ترامپ دارند، روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید آمریکا در حد زیادی به یک سنخ شدن مواضع بخش‌های درون حکومتی ایران گردیده است چرا که طیف‌های سیاسی درون حکومتی ایران اعم از انقلابیون و عملگراها در مورد اینکه سیاست‌های آمریکا ترامپ در مورد ایران قطعاً دشمنانه خواهد داد یا نه، گفت: باید ببینیم که چه اتفاقی خواهد افتاد؛ ما هرگز در ایران، هیچکس از روی کار آمدن ترامپ استقبال نکرده است چرا که عده‌ای علی‌الاصول با سیاست آمریکا درباره ایران چه با جمهوری‌خواهان و چه با دموکرات‌ها مشکل دارند و آن را خصمانه ارزیابی می‌کنند و عده‌ای هم که چشم به روی کار آمدن فردی غیر از ترامپ دوخته بودند، در آرزو دشمن ایران ارزیابی می‌نمایند. در واقع با روی کار آمدن ترامپ، دوگانه‌های ضدایرانی که ذیل عنوان موافقان و مخالفان دولت آمریکا با ذیل عنوان دوگانه امنیت-عبیثت در دوره اواما و با هدف روشنفق و فشل کردن جامعه و حکومت ایران طراحی و دنبال می‌شد، کنار رفت و حالا دیگر کسی نمی‌تواند با بز برقراری رابطه با آمریکا به امید جمع‌آوری آراء آکاسترزی بنشیند. یگانه‌سازی مواضع جامعه و حکومت نسبت به آمریکا و سیاست‌های آن یکی از الطاف الهی است که بار آن عمدتاً بر دوش دشمنان گذشته‌اش دست است.

اما جدای از این تحلیل، روی کار آمدن ترامپ و سیاست‌های رنگین‌کمانی او ممکن استدر دو موقعیت جغرافیایی و عملیاتی ایران، شرایط بالنسبه تازه‌ای را پدید آورد. سوریه و امنیت دریایی ایران.

سوریه به طول دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، اصلی‌ترین درخفته به حساب می‌آمد. اگر به دفاعاتی که واژه «سوریه» از زبان سخنگویان و مسئولان سیاسی و امنیتی نظامی آمریکا شنیده شد، نظر انداخته و آن را با وزگان دیگر مقایسه کنیم، نمایم درمی‌یابیم که سوریه اولین و متداوم‌ترین درخفته مقامات آمریکا بوده است. دوره اواما با وعده تغییر اسد سپری شد اما موقعیت دولت سوریه در پایان دوره اواما نه تنها ضعیف تر نشد بلکه به گوهی به نام نئوسنت عملیات بزرگ نصر و آزادی حلب در هفته‌های پایانی دوره اواما، تمام تر هم نشد. در این دوره علاوه بر آنکه آمریکا و وابستگان منطقه‌ای آن نظیر ترکیه و عربستان و نیز گروه‌های تروریستی وابسته به ایالات متحده از جوان در پرورنده امنیتی سوریه بازماندند بلکه پرورنده پرطمطراق سیاسی را نیز از دست دادند. مذاکرات سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه در مسکو- در آخرین هفته ریاست جمهوری اواما- و تکرار آن در آستانه به خوبی نشان داد که آمریکا تا حد چه از اثر گذاری بر مهم‌ترین پرورنده امنیتی منطقه نمی‌صیبت است. این موضوع در جریان مباحثات انتخابی میان دو حزب اصلی ایران شاهد شکست سیاست مداخلات آمریکا در لبنان گردید. ترامپ در این میان ضمن حمله به سیاست خارجی دولت اواما درباره سوریه، اعلام کرد که سیاست آمریکا را با هدف اقتداربخشی به حکومت این کشور بازسازی و اعتباربخشی خواهد کرد. هم‌اکنون رابطه بین دو حکومت که نگاه می‌کنند جنج حفاتر آمریکا مشاهده نمی‌کند. طبعاً در این میان اولین چیزی که به ذهن او متبادر می‌شود، «تغییر وضعیت و شرایط» می‌باشد. رفتارهای این روزهای ترامپ و تیم او به ما می‌گوید، آمریکا طی هفته‌های آینده و در یک برنامه زمام‌پزندی شده ممکن است دست به اقداماتی در سوریه بزند. اگر این برداشت درست باشد چیزی که بتواند شرایط را برای آمریکا تغییر دهد، عملیات در منطقه‌ای است که ارزش استراتژیکی از آنجا دارد و در صورت موفقیت‌های ویژه‌ای نظیر ترکیه به شمال تا شمال دمشق قرار دارد و دارای موقعیت‌های ویژه‌ای نظیر نزدیک به پایتخت، نزدیکی به لبنان و موقعیت سرزمینی حزب‌الله و نزدیکی به حرمه‌ای نیز سوریه در مدیترانه، نیز درگیری درون اوستان حساس حصص و جهان و این منطقه- یعنی حدفاصل میهن جاده‌های مواصلاتی خواهد بود. بحث اعظم این منطقه- یعنی حدفاصل جنوب ادلب تا شمال دمشق- به سيطرة دولت مرکزی و مؤلفین آن می‌باشد. به نظر می‌آید در آمریکا گمان‌زینی ترامپ به این است که با کمک گرفتن از نیروی هوایی خود و با کمک سیستم اطلاعاتی نظامی ارتش ترکیه به این منطقه قادر خواهد بود به نیروهای ارتش که ضمناً بخش زیادی از آن سرگرم محافظت از شهر بزرگ تازه آزاد شده سوریه یعنی حلب هست، غلبه کند.

وقتی ما اظهارات مقامات مختلف ارتش آمریکا را مرور می‌نماییم به این نتیجه می‌رسیم که ارتش آمریکا با چنین اقدامی موفق نیست و آن را شدنی نمی‌داند. از جمله استدلال‌های ارتش آمریکاین است که تکیه بر نیروی هوایی در جنگ‌های کلاسیک کارگشااست و در جنگ‌های پارتیزانی جایگاهی ندارد ضمن آنکه وقتی ترکیه پس از ماه‌ها تلاش برای سيطرة بر منطقه کوچک «الباب»- واقع در شمال غرب حلب- و رهاسازی آن از سيطرة داعش تاکم باقی مانده است چطور قادر به انجام عملیات در منطقه‌ای بزرگتر و با وجود ایران و حزب‌الله و نیروهای دیگر خواهد بود؟ اما در عین حال از آنجا که ارتش در نهایت از فرمان سیستم جمهوری تبعیت می‌کند عملیاتی شدن یک اقدام از پیش شکست خورده از سوی آمریکا دور از ذهن نخواهد بود.

او مواضع آمریکایی‌ها در مورد مواضع نیروی تدابیری ایران با ناوهای آمریکا، که می‌توانیم حدس بزیم که واشنگتن تا حد چه از تحقیری که طی سالهای گذشته در آب‌های خلیج فارس و حوالی آن با آن مواجهه بوده است، صعبانی است. بر این اساس دست‌نزدن به اقدامی ایلهانه و با دو هدف پایان دادن به تحقیر آمریکا از سوی ایران و تشجیع رژیم سعودی در درگیری با ایران اولی است. آمریکا قطعاً نمی‌خواهد با نیروی بیچنگد چون مهم‌ترین نتیجه چنین جنگی وداع همیشگی نظامیان آمریکا با منطقه خواهد بود. تجربه ملت‌ها می‌گوید برای در امان ماندن از شراشرتهای شیطان نظیر آمریکا تنها یک راه وجود دارد «ایستادن» و نادانده‌ای نیست هرگز به معنای جنگ‌طلبی نیست بلکه بهترین استراتژی در دفع جنگ و این می‌باشد. ما یک بار بار شاعر کوتاه کرن دیوار پیش‌انگته‌ای بین ایران و آمریکا، شاهد قرار گرفتن ارتش در فهرست «محور شرارت» و دویم و یک بار دیگر به نام اعتمادسازی شاهد تکرار این خبر رسمی آن هستیم.

تنها چند روز پس از نلافظی ترامــپ مبنی بر اینکه «هیچ گزینــه‌ای علیــه ایران از میز خارج نیست» وی تصریح کرد که ایران بســه آمریکا اعتنایــی نــمی‌کند.
دونالد ترامــپ رئیس‌جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز با اشاره به حوادث سال گذشته در خلیج فارس گفت: کشتی‌های جنگی ایالات متحده در خلیج فارس از سوی قایق‌های نظامی ایران احاطه شده و مورد آذیت و آزار قرار گرفته‌اند، آنها جسورتر شده‌اند.

ایران اسرائیل را دشمن درجه یک خود در منطقه می‌داند و به خوبی آگاه است که مقامات اسرائیلی چه کرده‌اند و چه سابق، به آمریکا فشار آورده‌اند که علیه ایران دست به اقدام نظامی بزند.

فائز افزود: از این رو اگر ترامپ و دولت ترامپ، ایران را مورد حمله نظامی قرار دهند ایران اسرائیل را در پشت این حمله می‌بیند و انتقام سریع و مستقیم می‌برد و هرگونه حمله نظامی، از اسرائیل خواهد بود.

وی در ادامه گفت: همچنین ایران پایگاه‌های آمریکایی‌ها در منطقه را نیز هدف قرار خواهد داد. برد موشک‌های ایران به حدی است که می‌تواند ۳۶ پایگاه نظامی آمریکا در منطقه را هدف قرار دهد.

مخالفت کرملین با موضع ترامپ علیه ایران

«دیمیتری پسکوف» سخنگوی کاخ کرملین اعلام کرد با موضوع دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه «ایران کشوری تروریستی» است، موافق نیستیم.
پسکوف در پاسخ به این سؤال که آیا مواضع مسکو و واشنگتن در خصوص ایران موجب ایجاد مانعی در مسیر برقراری روابط میان روسیه و آمریکا می‌شود، گفت: به میکل آبی است یا «بی‌تجربه» می‌کند: (آنها) احتمالاً پیچیدگی برنامه‌ریزی‌های استراتژیک و دیپلماتیک ایرانیان را دست‌کم نبرفته‌اند.
در روزهای گذشته، «درک شولت» مشاور اسبق دو وزیر دفاع آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ در تحلیلی در فرانسه، اقدامات تحریرک‌آمیز اخیر «دونالد ترامپ» در رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران را «موتور بررسی قرار داده و نوشت گفت: ترامپ احتمالاً به زودی از ایران بعد از جدیدترین آزمایش موشکی ایران، متأسف است.

باز نازند و به جای پیش‌بینی‌هایی که تحقق آن با ما و اگر همراه است، تنها به تحلیل بازار می‌پردازند اما همچنان اصرار دارند که دولت مقصر اصلی رکود در بازار مسکن است.

یکی از فعالان سیاسی همه با هم تغییر کردیم، به گمانم این تغییر در جریان اصولگرایی بیشتر هم بوده است.
جلسه استیضاح عبدالله مهاجرانی در مجلس پنجم بخش ناچیزی از این مخالفت‌ها با دولت وقت را نشان می‌دهد، توانایی طرح پرشتی از سوی نمایندگان، قدرت به چالش کشیدن وزیر وقت و مهم‌تر نامه‌انگهی بسیار واضح در میان مخالفان اصلی دولت اصلاحات را می‌توان در همان جلسه استیضاح دید. بنا به گفته یکی از سردبیران روزنامه‌های بعد از شکل‌گیری دولت اصلاحات، اولین روزهایی که نشریه‌ای غیر دولتی روی دکه مطبوعات رفت اکثر نیروهای اصولگرا نمی‌دانستند چگونه واکنشی نشان دهند. روزنامه‌نگاران، روزنامه‌ها و نشریات فعال وابسته به جریان اصولگرایی در نیمه دوم دهه هفتاد آنقدر از فضای خبری بی‌برونی و شکل گرفتن روش‌های نوین و مطالبات متراکم شده شهروندان دور افتاده بودند که توانایی واکنش مطلوب در مقابل رسانه‌های جدید را نداشتند.

واگذار کردن سه انتخابات، انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری، مجلس ششم و شورای شهر اول را می‌توان به این مسئله نسبت مربوط دانست اما آن دوران به پایان رسیده و شرایطی دیگر رقم خورده است.
چنانچه مخالفان دولت از جنس اصولگرایان نیمه دوم دهه هفتاد باشند، می‌توان دست آنها را خواند، آن را در زمینه ندانستن معنای دقیق مفاهیم علوم انسانی به چالش کشید و از همه مهم‌تر انتقادهای نمایندگان مجلس پنجم از وزارت ارشاد را به روشنان آورد، اما مخالفان امروز دولت یازدهم رسانه‌خور شدند. افکار عمومی را اخیراً بهتر درک کردند. کمتر دل‌خوش تحلیلی‌های فضاپی می‌شوند، برای اینکه صیادلیشان بهتر شنیده شود نمی‌نگاهیم به آمارها و اعداد دارند.

روزنامه بهار می‌نویسد، اینکه همچنان برخی از فعالان سیاسی از روی اجبار تلاش می‌کنند پاسخی به مسئله فیش‌های نجومی بدهند نشان از تحکرات رسانه‌های نزدیک به جریان اصولگرایی دارد.
روزنامه‌های اصولگرا طی سال‌های گذشته آنقدر استخوان‌دار شدند که برای به چالش کشیدن دولت یازدهم، بار بخش زیادی از ترکیب نیروهای سیاسی در مجلس دهم بر روی دوش رسانه‌های وابسته به جریان اصولگرایان بود، تهرانی‌هایی که در حد توان تواناستند در راستای کسب کرسی ریاست کمیسیون‌ها قدم بردارند.
وی‌وکرده‌های آنان تکرار شده است. دولت یازدهم می‌یاست روابط عمومی خود را با این داده‌ها و تئیس‌های جدید هماهنگ می‌کند، فراتر از آنان برادر، چنانچه روابط عمومی دولت نتواند پاسخی مناسب به شیوه نطدهای جدید داشته باشد، کار دولت روحانی برای مرحله دوم ریاست جمهوری دشوارتر از هر زمان خواهد شد. رسانه‌های اصولگرا و نطدهای آنان را نباید و نمی‌توان نادیده انگاشت، نطدهای که در بسیاری از مواقع باعث موضع‌گیری‌های پرهزینه، چالش‌زا و گل و به خودی از سوی دولتمردان شده است، سخنان وزرا و معاون رئیس‌جمهور علیه یک‌دیگر حاصل دست‌بخت و زمینه‌سازی همین رسانه‌هاست. می‌توان بخشی از این خطاها را به دلیل دست بالا داشتن این رسانه‌ها عنوان کرد.

اعتماد؛ فعالان اقتصادی، دولت را مقصر رکود بازار مسکن می‌دانند

فعالان بازار مسکن تأکید دارند که دولت مقصر اصلی رکود در بازار مسکن است.
روزنامه اعتماد با انتشار این خبر نوشت: رکود مسکن ۴ ساله شد. این رکود انگار، اقتصاد جسیبیده، حتی محرک‌های اصلی مثل وام و تسهیلات برای مردم و انبوهسازان هم نمی‌تواند دهنه زمستانی ۱۱ ساله مسکن را آشفته کند. در حالی که ماه‌های پایانی سال در حال سپری شدن است، اما هنوز بازار مسکن وارد روزهای رونق خود نشده و می‌توان گفت سکون و ثبات در این بازار تداوم خاصی یافته است.
پیش از این بسیاری از فعالان بازار مسکن پیش‌بینی می‌کردند که بازار مسکن از نیمه دوم سال جاری رونق یابد و بالاخره بازار مسکن نیز از رکود سه ساله‌اش خارج شود، اما حالا با وجود اینکه در ماه‌های پایانی سال قرار داریم به خبری از رونق هست و نه پیش‌بینی جدید برای خارج شدن مسکن از وضعیت رکود فعلیش.

گویا دیگر مسئولان و فعالان مسکن نیز ایدمی به بازگشت رونق به این

گفت و شنود



بی‌محلی!

گفت: ترامپ ابرساز ناراحتی کرده که چرا ایران به

رجزخوانی‌های آمریکا اعتنایی نمی‌کند.

گفتم: روسای دیپلمات‌های آمریکا سی و چند سال است که از این رجزها می‌خوانند و لاف‌های گزاف می‌زنند و هیچ غلطی هم نتوانسته‌اند بکنند. بنابراین چرا این ایران باید به

تهدیدها و لاف‌های ترامپ اعتنا کند؟

گفت: حیوانیکی بعضی از نرمش‌ها را دیده و پیش خودش تصور کرده که همه ایران همین‌هاست و انتظار داشته که ایران بلافاصله بعد از تهدیدهای آمریکا قافیه را بپازد!

گفتم: یارو به دکتر گفت: آقای دکتر! مدتی است که هیچکس به من توجهی ندارد و تحویل نمی‌گیرد. دکتر **نیم‌نگاهی کرد و به منشی خود گفت: نفر بعدی!**

محمدجواد لاریجانی:

استباه راهبردی دیپلمات‌های

ما این بودکه گفتند تحریم‌های جدید آمریکا با روح برجام مخالف است

با اشاره به اینکه مذاکره دوباره در رابطه با ماهیت برجام سسم مهلک است خاطر نشان کرد: متن نهایی برجام دچار اشکالات اساسی است که در دشمن با اشاره به سواستفاده داده است. ما دشمنی‌ها را به حساب خودمان نمی‌نویسیم و باید از در باغ سبز دل بکنیم.

دیپیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه گفت: استنبیته راهبردی دیپلمات‌های ما این بود که آنها گفتند تحریم‌های جدید آمریکا با روح برجام مخالف است در حالی که ما باید به اصل و لفظ آن توجه کنیم و این تحریم‌های جدید با اصل برجام منافات دارد.

محمدجواد لاریجانی معاون بین‌الملل و دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیمنا اظهار داشت: اشتباه راهبردی دیپلمات‌های ما این بود که آنها هدف تحریم‌های جدید آمریکا با اصل برجام منافات دارد.

محمدجواد لاریجانی معاون بین‌الملل و دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیمنا اظهار داشت: اشتباه